۵۰ کشور آفریقایی سنگ بنای استقلال در سیاست خارجی را پایه گذاری کردند

پروژه بزرگ پنتاگون چگونه متوقف شد

[س. حیدرپور]

پنتاگون سرانجام در پی مخالفت دسته جمعی کشورهای آفریقایی یکی از جنجالی ترین پروژه هایش برای ایجاد فرماندهی مرکزی امریکا در این قاره را متوقف ساخت. اغلب محافل سیاسی این اتفاق را به عنوان رویدادی کم نظیر در تاریخ دیپلماسی تعبیر کرده اند. پروژه پنتاگون با نام «آفریکوم» یکی از طرح های بلند مدت، استراتژیک و پرهزینه ایالات متحده بود و بر پایه آن می بایست چند مقر فرماندهی مرکزی برای عملیات های نظامی امریکا در نقاط استراتژیک شمال و شاخ آفریقا دایر شود. کارشناسان امور استراتژی، اهمیت این طرح را همردیف طرح مهم دیگر بوش یعنی سپر دفاع موشکی در اروپا قیاس می کردند، زیرا آفریکوم نیز همانند طرح سپر موشکی در پی تضمین نفوذ دراز مدت امریکا در ساختار امنیت جهانی بود.

مذاکرات و توافقات مربوط به این پروژه را کاندولیزا رایس و رابرت گیتس در چند دیدار خویش از پایتخت های آفریقایی به انجام رسانده بودند و خود بوش در سفر زمستان سال گذشته خود مرحله نهایی آن را به انجام رساند.

آنچه اکنون به تعطیلی این پروژه جنبه یک رویداد تاریخی و نمادین بخشیده است، سخن رابرت گیتس رئیس پنتاگون مسئول اجرای این طرح است که رسماً به ناکامی آن اقرار کرده است و عامل دوم که مهم تر و شگفت انگیز تر است وتوی این طرح از سوی حدود ۵۰ کشور آفریقایی است که در مخالفتی یکپارچه و همزمان پروژه مذکور را با این استدلال رد کرده اند که مغایر استقلال و اقتدار ملی آفریقا است.

دقیقاً همین استدلال بیان شده از سوی سران آفریقا است که توقف پروژه جنجالی پنتاگون را در شمار تصمیم های تاریخی نشانده و برخی ناظران را بر آن داشته که در این اتفاق روح جنبش های استقلال خواهی آفریقای عصر استعمار را جست و جو کنند. آفریقا که چند قرن حیات سیاسی خویش را در اسارت و وابستگی گذرانده است با این تصمیم سنگ بنای یک جنبش تاریخی را گذاشت.

آنچه اکنون امریکایی ها را نگران کرده است تبعات این تصمیم است. در تحلیل این تصمیم اغلب ناظران متفق القول هستند که این رویارویی سمبلیک در عرصه های دیگر نیز تکرار خواهد شد. به عبارتی این اتفاق پیش درآمدی برای عقب نشینی های جهانی امریکا از حوزه های استراتژیک است. اما پیش از آنکه سیر افول آفریکوم بیان شود به نقشه اولیه این نهاد نگاه می افکنیم.

● نهادی با ترکیب و ماموریت بزرگ

نیروی آفریکوم در سال ۲۰۰۷ بوجود آمد و صدها عضو این نیرو با آن که به ظاهر شاکله نظامی داشت اما از همان ابتدا در زبان تحلیلگران نظامی، نماد ورود ارتش امریکا به سیاست خارجی معرفی شد به گونه ای که حتی تحلیلگران امریکا گفته اند مدیریت آفریکوم اصولاً برعهده وزارت امور خارجه می باشد. رایس و گیتس نوع جدیدی از مأموریت برای آفریکوم تعریف کردند که ترکیبی از مأموریت نظامی و غیرنظامی است.

برای این نیرو با نهاد نوبنیاد، راهبردی کلان در نظر گرفته شد. به گفته کارشناسان پنتاگون هدف از مأموریت این نهاد پیشگیری از بروز مناقشه ها و همکاری در طرح های امنیتی، سیاسی آفریقا پیش بینی شد.

آفریکوم از نادر نهادهای تأسیسی امریکا بود که دیپلمات ها در کنار افسران ارتش در فرماندهی امور نظامی سهیم شدند و کارشناسان غیر نظامی از ادارات دولتی دیگر امریکا، به خدمت گرفته شدند.

آفریکوم سیر و مراحل کاملاً متفاوتی را در تأسیس طی کرد به این صورت که نقشه و چارت اولیه آن قرار شد در چند پایگاه غربی امریکا تنظیم شده و سپس مرحله عملیاتی آن در کشورهای آفریقایی به اجرا در آید. مأموریت این کار به ارتش امریکا در اشتوتگارت سپرده شد. هنوز هم دفتر آفریکوم هم اکنون در آلمان است و آن گونه که پیش بینی شده بود قرار بود، درسال ۲۰۰۸ به طور کامل به قاره آفریقا انتقال داده شود، در همان حال پنتاگون امکان ایجاد آن در مناطق مختلف از جمله سواحل شرقی امریکا را برای بعد از سال ۲۰۱۰، بررسی کرد. جالب است که در همه متن های مکتوب پنتاگون هدف نیروی آفریکوم صرفاً کمک به آموزش و تجهیز ارتش های کشورهای آفریقایی اعلام شده بود.

به این صورت همه کارها برای استقرار مقر فرماندهی جدید امریکا در قاره سیاه مهیا شد و جورج بوش پای طرح پیشنهادی رابرت گیتس در این باره را امضا کرد. رایان هنری معاون امور سیاسی وزارت دفاع ایالات متحده در سفری دوره ای از کشورهای نیجریه، کنیا، اتیوپی، غنا، سنگال و آفریقای جنوبی بازدید و بامقام های عالیرتبه کشورهای میزبان درباره تأسیس مرکز گفت وگو کرد. رایان هنری در پایان این سفر دوره ای ادعا کرد: بیشتر رهبران کشورهای مورد بازدید از اجرای این طرح استقبال کردند، هرچند یک یا دو کشور نیز مخالف اجرای آن هستند.

● مأموریت راهبردی ای که ناتمام ماند

فکر ایجاد یک نیروی فراگیر در صحنه آفریقا پس از فروپاشی شوروی در ذهن استراتژیست های امریکایی جرقه زد. یعنی از زمانی که نخستین خیزش های استقلال طلبانه با ماهیت اسلامی دراین خطه نمایان شد.

اما تا وقوع ۱۱ سپتامبر این ایده روی میز پنتاگون بلاتکلیف مانده بود تا این که با رشد جریان های ضد امریکایی در دوره بوش سران وزارت خارجه و دفاع امریکا با جدیت این طرح را پی گرفتند.

کاخ سفید پس از دو حوزه مهم عراق و افغانستان راهبرد حضور در نقطه سوق الجیشی آفریقای عربی را در پیش گرفت.

بنابراین در تأسیس آفریکوم هر دو هدف مهم سیاسی و اقتصادی توأمان دیده شد؛ اول کنترل جریان های ضد امریکایی و دوم تأمین امنیت تجارت و سرمایه گذاری اقتصادی.

وقتی فرستادگان رایس و گیتس از تغییر نظر سران آفریقا ناامید شدند پنتاگون در بیانیه ای آشکارا شکست پروژه آفریکوم را اعلام کرد

در واقع آفریکوم حامل رویکرد نو به آفریقا بود و امریکا در این کار گوشه چشمی به رقابت با حریفان چینی و روسی و اروپایی داشت.

واقعیت پنهان در طرح آفریکوم این بود که قاره آفریقا برای کشورهای بلوک غرب و بویژه امریکا اهمیت فوق العاده ای یافته است به نحوی که در سال های اخیر آفریقا یکی از موضوعات دائمی مورد بحث در اجلاس سران ۸ کشور صنعتی بوده است. کشورهای غربی و ایالات متحده سرمایه گذاری های بسیار در کشورهای آفریقایی کرده اند که به عنوان نمونه می توان به وعده کمک ۱۵ میلیارد دلاری امریکا به کشورهای آفریقایی یا طرح اجتناب از اخذ مالیات از کالاهای وارداتی آفریقایی اشاره کرد. در چنین شرایطی نظارت بر تحولات درون آفریقا و پیگیری مسائل آفریقایی یکی از اهداف اساسی آفریکوم شد.

از طرفی رشد ناآرامی های فراوان در درون قاره آفریقا موجب نگرانی مقام های امریکایی درباره ثبات سیاسی دربخش هایی از قاره شد وهمین ناآرامی ها آنان را به فکر تأسیس مرکزی تداخت تا با تلاش برای استمرار ثبات از نزدیک بر تحولات داخلی قاره اشراف داشته باشند و در موقع مقتضی بتوانند مداخله کنند. با پیگیری سیاست موسوم به مبارزه با تیرور از سوی دولت بوش گروه های ضدامریکایی نیز مزید براین علت شد که به فکر توسعه جغرافیایی مناطق زیرنفوذ خود و گسترش آن در خاور دور و آفریقا بیفتد.

همه اینها دست به دست هم داد تا سال گذشته دستیاران بوش به امور آفریقا همت گمارند.

گیتس وزیر دفاع آمریکا با این هدف به جیبوتی رفت.

پس از آن دیدار، کاندولیزا رایس وارد اتیوپی شد و درآنجا با سیاستمداران شریک امریکا در آدیس آبابا ملاقات کرد بعد از آن با ملاقات رهبران اوگاندا، برودی و روآندا رفت.

سران کاخ سفید برای گرفتن امضای آفریقایی ها برای این طرح از یک توجیه به ظاهر عامه پسند به نام تهدیدات گروه های افراطی بهره جستند لذا رایس مدعی شد که سفرش در جهت حل منازعات موجود در آفریقا و پایه گذاری گفت وگوهای صلح آفریقا در سال آینده است. آنان امیدوار بودند که این سخن رایس به ذهن برخی سران منطقه موجه جلوه کند زیرا مدت ها است که خشونت های جاری در منطقه شرق جمهوری دموکراتیک کنگو، دارفور، منازعه کشورهای همسایه در آفریقای مرکزی و درگیری بین سومالی و اتیوپی چشم به راه میانجی است. امریکاییان همچنین مدعی شدند که؛ خاک هیچ یک از ۶ کشور مورد بازدید برای ایجاد پایگاه مورد استفاده قرار نخواهد گرفت و تشکیل مقر فرماندهی آفریقایی ارتش امریکا، اهداف جنگ طلبانه را دنبال نمی کند بلکه این طرح تنها درصدد تقویت ظرفیت های توانایی های نظامی وغیرنظامی کشورهای آفریقایی است وعجیب تر از همه توجیهات مسئول مذاکره این طرح یعنی رایان هنری بود که ادعا کرد؛ آفریکوم برخلاف سایر پایگاه های امریکایی تنها برای اهداف نظامی تأسیس نخواهد شد بلکه مهمترین هدف آن کمک به رشد و توسعه قاره آفریقا است.

همین پنهان کاری در باره اهداف طرح، خود اولین نطفه بدبینی و بی اعتمادی را گذاشت به گونه ای که وقتی نقشه اصلی آفریکوم منتشر شد موجی از اعتراض پایتخت های این قاره را فراگرفت. پس از اعلام مخالفت نیجریه با این طرح، معمر قذافی رهبر لیبی، در سخنانی در نشست شورای اقتصادی آفریقا گفت: «ما نیازی به پایگاه نظامی نداریم، بلکه بیش از هر چیز نیازمند کمک اقتصادی هستیم. اگر غرب با دخالت نظامی درصدد کمک به قاره آفریقاست، ما به صراحت اعلام می کنیم که چنین کمکی را نمی خواهیم و نیازی به آن نداریم.»

وزیر خارجه الجزایر، که قبلاً از این طرح استقبال کرده بود حرف خود را پس از دیدن مدارک پس گرفت. وقتی فرستادگان رایس و گیتس از تغییر نظر سران آفریقا ناامید شدند پنتاگون در بیانیه ای آشکارا شکست پروژه آفریکوم را اعلام کرد.

پروژه پنتاگون با نام «آفریکوم» یکی از طرح های بلند مدت، استراتژیک و پرهزینه ایالات متحده بود و بر پایه آن می بایست چند مقر فرماندهی مرکزی برای عملیات های نظامی امریکا در نقاط استراتژیک شمال و شاخ آفریقا دایر شود

آفریقا می تواند بگوید «نه»

[سلیمان دعویسرا]

گیتس تصور نمی کرد که پنتاگون مهم ترین ناکامی را در عرصه آفریقا بچشد. زیرا همه محاسبات او بر این مبنا بود که امریکا در پیشبرد طرح هایش در این منطقه با کمترین محدودیت و موانع روبرو است. رابرت گیتس پس از عضوجنجالی کابینه بوش، دونالد رامسفلد به وزارت دفاع گام نهاد.

مأموریت اصلی او ترمیم وجهه پنتاگون بود که با دو جنگ افغانستان و عراق به شدت آسیب دید. برای این کار گیتس سعی کرد زبان اجبار و سخت کیشی رامسفلد را تعدیل کند و برای پیشبرد طرح های نظامی امریکا از روش مذاکره و داد وستد بهره گیرد. گیتس بر این باور بود که اعتبارات اقتصادی امریکا چاشنی امتیازگیری اقتصادی است. در عرصه آفریقا نیز او از همین مسیر وارد شد گیتس بر آن بود که با استفاده از مشوق های اقتصادی خواهد توانست رضایت دولت های این منطقه را برای ایجاد پایگاه های نظامی جلب کند. روزنامه های امریکا در تشریح نقشه گیتس برای آفریقا به نقل از یکی از مسئولان وزارت دفاع امریکا می نویسند: پنتاگون بر این عقیده بود که ایجاد مقر در آفریقا با کمترین دردسر انجام می شود، اما وقتی ژنرال ویلیام وارد فرمانده نظامیان امریکایی در آفریقا، آفریکوم، درست پس از بر عهده گرفتن مسئولیت خود، در اکتبر گذشته به این قاره سفر کرد مشکلات پشت پرده آشکار شد. با گزارش این ژنرال بود که اولین تردید در ذهن رابرت گیتس جرقه زد، گزارش ژنرال ویلیام دلالت براین داشت که اغلب مقام های سیاسی و دفاعی طرف مذاکره او در سفر آفریقایی مخالفت خود را با چنین طرحی اعلام کرده اند. بر اساس آنچه رسانه های امریکا نقل کرده اند نخستین مخالفت از سوی دولت های مهم شمال آفریقا بویژه الجزیره بیان شده است.

بر پایه این گزارش ها بیشترین مخالفت ها با حضور نظامی آمریکا در نقاطی بروز کرده که سابقاً جنبش های استقلال طلبی علیه استعمار فرانسه را به راه انداخته اند. خبرگزاری فرانسه دریکی از گزارش هایش از واشنگتن می نویسد: در باره طرح ایجاد فرماندهی نظامیان امریکا در آفریقا مشاجره های زیادی در پایتخت های آفریقایی صورت گرفته است. کشورهایی مانند الجزایر بیش از همه سران پنتاگون را کلافه کرده اند.

بعد از الجزایر دومین موج واکنش را دو کشور مهم و ثروتمند آفریقا یعنی نیجریه و آفریقای جنوبی نشان داده اند. بر اساس گزارش واشنگتن پست این دو کشور به صراحت مشوق های استثنایی وزارت دفاع امریکا را رد کرده و در منصرف کردن گیتس از پروژه ایجاد پایگاه های نظامی نقش بسزا داشته اند. به این صورت پنتاگون در این طرح رو درروی دولت هایی قرار گرفت که اکنون نقش محوری را در تحولات آفریقا ایفا می کنند. الجزایر، نیجریه و مغرب کشورهایی هستند که اکنون به نوار اصلی حوادث ضدیت با غرب تبدیل شده اند. سران امریکا نیز با همین انگیزه به این کشورها چشم دوختند که بتوانند نوعی جبهه بازدارنده علیه جنبش های ضد امریکایی و بنیادگرایی در این ناحیه بوجود آورند. تحلیلگر واشنگتن پست اذعان می کند که مهم تر از مسئله انصراف پنتاگون از پروژه آفریکوم دلایل این عقب نشینی است. او اقرارمی کند که یک هدف عمده از ایجاد این فرماندهی و پایگاه های نظامی در آفریقا رویارویی با جنبش های اسلامی و موج امریکا ستیزی بود و تأکید می کند که بسیاری در میان ملت های عربی حق دارند متأسف باشند زیرا هیچ کس را پیدا نکردند تا برایشان منافع ناشی از حضور گسترده نظامی امریکا و غرب را در کشورهای آفریقایی تشریح نماید.

گیتس هنگامی که دلایل توقف پروژه آفریکوم را بیان می کرد فقط به این جمله بسنده کرد که کشورهای آفریقایی واکنش مثبت به این طرح نشان ندادند. رئیس پنتاگون با این حال عیان نکرد که چه عواملی باعث تغییر نگاه آفریقایی ها بوده است. اما آنچه را که گیتس از بیانش طفره رفت رسانه های امریکا با صراحت بازگو کردند واشنگتن پست به نقل از یک دیپلمات امریکایی می نویسد: آفریقایی ها به نیروی امریکایی در قاره خود به چشم نیرویی مداخله گر می نگرند و با اینکه بارها سعی کردیم آنها را متقاعد کنیم که اینگونه نیست اما به نظر نمی رسد که در این خصوص تغییری صورت گرفته باشد.

اما نکته مهم تر ارتباط و پیوندی است که میان عقب نشینی امریکا در آفریقا با شکست های این کشور در نقاط دیگر جهان وجود دارد. به باور خود تحلیلگران امریکا، واگرایی ۵۰ کشور آفریقا از جریانی سیاسی الهام گرفته است که امروز به عنوان یک هنجار بر سیاست خارجی کشورهای آسیا و خاورمیانه حکمفرماشده است. این هنجار با ارزش سیاسی اکنون به دو صورت خود را نشان داده است: نخست این که حساسیت کشورها به حق حاکمیت و اقتدارملی شان به نحوی که دیگر کسی حاضر نیست بر سر منابع سرزمینی خویش با طرف های خارجی معامله کند و دوم این که دیگر تکیه کردن به امریکا و همپیمانی با امریکا امنیت به بار نمی آورد و این باور بویژه در میان کشورهای اسلامی رواج یافته است که نزدیکی و همسویی با امریکا امنیت ملی این کشورها را با مخاطرات زیاد روبرو می کند که مهمترین آن رویارویی گروه های مبارز و تحول خواه است.

در هر حال باور عمومی این است که دولتمردان آفریقا در اتخاذ تصمیم تاریخی خویش نگاه جدی به تجربه دولت های حریف امریکا داشتند. در اظهارات تحلیلگران امریکایی به این نکته تأکید زیادی شده است که برخورد یکی دو سال اخیر کشورهایی مانند چین، هند، اندونزی، روسیه و ایران تأثیری محسوس بر نگرش دولت های آفریقا داشته است به گونه ای که حتی کشورهای کوچک این قاره نیز امروز در اعطای حق کشتیرانی یا استفاده از گذرگاه های آبی، زمینی و هوایی خویش بر مسئله حاکمیت و اقتدار ملی شان تکیه می کنند.

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
وزارت توسعه مدیریت و پشتیبانی

لیست خودروهای فاقد اسناد مالکیت جهت ابطال اسناد آنها و اقدام جهت صدور اسناد مالکیت المثنی

پلاک اتومبیل	نوع پلاک	نوع کاربری	مدل	شماره شاسی	وضعیت انتقال	دستگاه انتقال دهنده
۱۱۶۴۴	دولتی	دولتی	۱۳۵۷	۹۲۵۳۰۷۷۶	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
شیراز	وانت	سواری	۱۹۶۹	۲۱۹۷۳۶۱۶۳	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۱۱۹۷۸	دولتی	دولتی	۱۹۵۷	۹۲۵۴۰۷۷۵	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
مشهد	سواری	کامیون	۱۹۶۹	۱۳/۰۰۲۷۶۵	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۱۴۶۶۵	دولتی	دولتی	۱۳۶۲	۱۵۶۸۳۴-۱۵	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
مشهد	سواری	کامیون	۱۳۶۴	۳۰۴۱۸۸-۱۶	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۱۴۶۶۶	دولتی	دولتی	۱۳۶۲	۳۰۱۱۱۱۰	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
مشهد	جیپ/پوش	سواری	۱۳۵۴	۹۴۵۰۷۳۳۳	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۷۹۵۲	دولتی	دولتی	۱۳۷۱	۳۷۹۳۹۱۱۶۰۱۰۰۳۷	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۲	جیپ/پوش	سواری	۱۳۶۴	۲۷۱۵۱۷	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۷۹۵۳	دولتی	دولتی	۱۳۷۲	۸۶۹۹۶	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۲	وانت	سواری	۱۳۷۱	۱۳۷۱/۱۳۷۹ PKM	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۷۹۵۴	دولتی	دولتی	۱۳۷۲	۸۵۰۴۵	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۲	وانت	کامیون	۱۹۹۳	۲۷۷۹۴۱	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۷۹۵۵	دولتی	دولتی	۱۳۷۲	۷۱۶۰۸۳۶۷	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۲	وانت	دولتی	۱۳۵۶	۹۴۵۲۹۶۹۸	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۹۱۳۹	دولتی	دولتی	۱۳۶۲	۱۵/۱۵۵۹۲۶	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۱	سواری	دولتی	۱۳۶۹	۹۳۱۸۹۱	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۹۱۴۲	دولتی	سواری	۱۳۶۲	۱۵/۱۵۵۹۲۰	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۱	سواری	دولتی	۱۳۶۹	۹۳۱۹۳۰	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۲۹۱۴۳	دولتی	سواری	۱۳۶۲	۲۶۴۳۷۲	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۱	سواری	دولتی	۱۳۶۹	۹۳۱۹۶	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۵۱۳۶۳	دولتی	سواری	۱۳۶۲	۱۵/۱۵۴۸۵۰	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران ۵۱	جیپ/پوش	دولتی	۱۳۷۲	۱۷۲۴۴۶	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۵۹۹۳۹	دولتی	دولتی	۱۹۶۹	۳۷۹۳۱۵۰۴۱۷۸۷۵	انتقال قطعی	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
تهران	وانت	جیپ/پوش	۱۳۷۰	۱۷۲۳۲۱	انتقال قطعی	اداره کل فرکانس، پست و تلگراف
				۹۵۳۲۹۸		

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی